

رابطه قرآن با نفس ما چیست؟ آیا به تنهایی می‌توانیم قرآن را بفهمیم؟

Mentazer Mentazer

رابطه قرآن با نفس ما چگونه و توسط چه کسانی واضح می‌شود؟

رابطه قرآن با نفس انسان رابطه‌ای خاص و منحصر به فرد است. در درس‌های گذشته متوجه شدیم که انسان به واسطه بُعد انسانی و فوق‌عقلی‌اش اشرف مخلوقات است. در حقیقت تمام مخلوقات بر اساس نیازها و مراتب وجودی ما آفریده شده‌اند. سیاره‌ای که بر روی آن زندگی می‌کنیم، کهکشانی که در آن قرار گرفته‌ایم، گیاهان، حیوانات، دریاها و هر چیزی که در اطراف ما وجود دارد، برای ما خلق شده و با ما رابطه‌ای وجودی دارند. اما رابطه قرآن با نفس ما به گونه‌ای متفاوت بوده و از این قاعده پیروی نمی‌کند. این‌طور نیست که قرآن صرفاً کتابی باشد که خدا در آن نیازها و قوانین مورد نیاز ما در زندگی را نگاشته باشد. قرآن تجلی مکتوب خداست و اسماء و صفات او به طور کامل در آن تجلی کرده است. در واقع این نفس ماست که از روی قرآن ساخته شده و قوانین حاکم بر نفس ما همگی در قرآن جمع شده است.

احتمالاً در زندگی مواردی پیش آمده که به دلیل بی‌اطلاعی یا سهل‌انگاری از تمام ظرفیت‌ها یا قابلیت‌های یک چیز استفاده نکرده باشیم. یا استفاده از آن را به موارد سطحی تنزل داده باشیم. شاید در بسیاری از موارد، به ضرر یا خسارت زیادی دچار نشویم، اما طبیعتاً هرچه ارزش و قیمت چیزی بیشتر باشد، استفاده نکردن از قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایش بیشتر به ضررمان تمام می‌شود. مثلاً اگر از یک گوشتکوب برای فرو کردن میخ در دیوار استفاده کنیم، اتفاق خاصی نمی‌افتد اما اگر از یک ساعت هوشمند و آخرین مدل برای کوبیدن میخ استفاده کنیم، قطعاً ضرر کرده‌ایم.

البته چنین سهل‌انگاری‌هایی صرف‌نظر از ارزش و اعتبار مادی و دنیایی‌شان، زودگذر و محدودند؛ اما گاهی مواردی را دست کم می‌گیریم که غفلت و سهل‌انگاری در موردشان به قیمت ابدیت ما تمام می‌شود. مثلاً اگر در مورد نفس و حقیقت خود یا کتابی که برای هدایت ما فرستاده شده، دچار اشتباه شویم و یا حتی متوجه اهمیت رابطه قرآن با نفس خود نشویم، اشتباه‌مان به سادگی قابل جبران نخواهد بود.

پیامدهای سنخیت و نزدیکی با قرآن چیست؟

هر سنخیت و ارتباطی چه از نوع مثبت و چه از نوع منفی برای ما پیامدها و نتایج خاص خود را دارد. قاعدتاً کسی که با مظاهر الهی احساس سنخیت می‌کند، با کسی که با مادیات و مظاهر دنیا حس نزدیکی دارد، یکی نیستند. در واقع تمامی ما به واسطه بُعد فوق‌عقلی‌مان با قرآن یا کلام الهی که تجلی مکتوب اسماء و صفات خداوند است، سنخیت داریم، اما بسته به این که خود و زندگی را چگونه معنا می‌کنیم، این سنخیت پررنگ شده، یا در چشممان رنگ می‌بازد. از آن جا که ما هم به عنوان اشرف مخلوقات تجلی‌کننده اسماء و صفات خدا هستیم، پس در واقع قرآن حقیقت خود ماست. حقیقتی که با نزدیک‌تر شدن به آن به کمال مطلق یا هدف خلقت خودمان نزدیک می‌شویم.

تک‌تک آیات قرآن از من حقیقی ما صحبت کرده و برای راهنمایی بعد انسانی وجودی ما راهی ارائه می‌کند. ما هرچه خود را به باطن آیات قرآن نزدیک‌تر کرده و نسبت به دستوراتش فرمانبرداری بیشتری داشته باشیم، نور بیشتری از آیات قرآن کسب خواهیم کرد. در واقع قیمت ما به میزانی است که آیات قرآن را باور داشته، به آنها عمل می‌کنیم، به واسطه آن کسب نور کرده و به حقیقت انسانی خود نزدیک‌تر می‌شویم.

خواندن قرآن به تنهایی برای ما کافی نیست، چون ارزش ما در آخرت به میزانی‌ست که قرآن به دارایی و ثروت وجودی ما تبدیل شده باشد. در حقیقت ما به میزانی با قرآن سنخیت پیدا کرده و به آن نزدیک می‌شویم، که با استفاده از رهنمودهای قرآن اسماء و صفات بیشتری از خداوند را در وجود خود تجلی داده و به فعلیت رسانده باشیم. با این وجود نزدیک شدن ما به هدف خلقتمان به میزانی است که خود را به قرآن نزدیک کرده و وجودمان را با آیات آن تطبیق دهیم، یا به عبارت دیگر رابطه قرآن با نفس خود را به عنوان رابطه‌ای وجودی درک کرده و آن را تقویت کرده باشیم.

آیا به تنهایی قادر به ارتباط با قرآن هستیم؟

O آیا ما به تنهایی قادر به استفاده از قرآن یا کتاب خلقتمان هستیم؟

O تفسیر قرآن، کسب و استخراج اسماء و صفات الهی یا به عبارت ساده‌تر کشف حقیقت قرآن از عهده عقل مادی و دانش محدود ما برمی‌آید؟

O توان استخراج قوانین قرآنی که بر نفس ما حاکمند را داریم؟

O با چستی مراتب نفس خود و چگونگی طراحی آن آشنایی، تا موفق شویم رابطه قرآن و نفس خود را کشف کنیم؟

حقیقت اینجاست که عقل محدود ما حتی امکان شناخت ابعاد مختلف وجود خودمان را هم ندارد. نمی‌داند که از کجا آمده و به کجا می‌رود و حتی سنخیت داشتن با قرآن برایش جای تعجب دارد. پس ما برای استفاده از قرآن به عنوان کامل‌ترین، تخصصی‌ترین و جامع‌ترین کتاب موجود برای بشر قطعاً نیاز به کمک و راهنما داریم، اما نه راهنمایی در سطح و اندازه خودمان.

اگر قرار باشد راهنمای ما هم مثل ما عقلی مادی و محدود داشته و نتواند دید جامعی نسبت به جایگاه و مبداء و مقصد انسان ارائه کند، از این راهنمایی هم راه به جایی نمی‌بریم. درست است که قرآن برای هدایت ما آمده، اما ما انسان‌ها بدون الگویی که از طرف سازنده ما فرستاده شده و به دور از هرگونه اشتباه و خطاست، توانایی فهم رابطه قرآن با نفس خود و رسیدن به هدف خلقتمان را نداریم. در واقع بدون این راهنمای متخصص، قرآن مانند گنجینه رمزگذاری شده‌ایست که توان استفاده از آن را نخواهیم داشت.

ما برای کشف قوانین قرآن و به تبع آن قوانین حاکم بر وجودمان نیازمند متخصص معصومی هستیم که با داشتن علم الهی، به ریاضیات و مراتب نفس ما اشراف کامل داشته و قرآن را هم کاملاً بشناسد. متخصص معصومی که خود تجلی کامل اسماء و صفات الهی بوده و قادر باشد با توجه به رابطه قرآن با نفس، ما را به هدف خلقتمان نزدیک کند. در حقیقت ما بدون وجود

این متخصصان که همان پیامبران الهی و امامان معصومند، قادر به تفسیر قرآن و استفاده از آن نیستیم و نخواهیم توانست رابطه قرآن با نفس خود را متوجه شویم.

ما در این مقاله گفتیم که رابطه قرآن با نفس ما رابطه‌ای متفاوت بوده و نفس ما بر اساس قرآن ساخته شده. ما به تنهایی قادر به شناخت قرآن و کشف ارتباط آن با ساختار و حقیقت نفسمان نیستیم. قرآن حقیقت ماست اما برای شناخت و تفسیر و توضیح آن احتیاج به متخصص معصومی داریم که به ابعاد وجود ما، رمزهای قرآن و رابطه میان آنها اشراف کامل داشته باشد. و این متخصصان معصوم همان پیامبران الهی و امامان هستند.

آیا شما هم نیاز به کمک و راهنما در فهم قرآن را احساس می‌کنید؟ تا به حال به رابطه وجودی میان قرآن و نفس خود فکر کرده بودید؟ نظرات خود را در این رابطه با ما در میان بگذارید.